

# متخصصین از مهاجرت باز می‌گردند



ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



گزارش: آیا مسئله فرار مغزها و مهاجرت  
منفکرین یک جامعه خاص کشورهای آسیایی  
است یا می‌توان آن را یک پدیده جهانی  
به شمار آورد. به عبارت دیگر آیا فرار  
مغزها از کشورهای مثل انگلستان یا آلمان  
نیز صورت می‌گیرد یا مختص کشورهای  
فقیر و توسعه نیافته است؟

— بله کاملاً " صحیح است. من اخیراً "

است که یک پروفیسور سوئدی هرگز ۲۰۰۰  
دلار هم در حساب پس‌انداز خود ندارد  
و درآمد حاصله از این سرمایه‌گذاری برای  
او قابل توجه است. بنابراین مشاهده  
می‌کنیم در آزادترین کشور دنیا برای  
جلوگیری از فرار مغزها اقدام به تشکیل یک  
سوسه خیره می‌شود.

گزارش: مهاجرت اروپاییان عمدتاً  
به کجا است؟

در کنفرانس نوآوری یا ذکر مطلبی از یک  
مجله سوئدی به این موضوع اشاره کردم.  
در مجله هفتگی "تکنیک نو" چاپ سوئد  
آمده بود که یک سرمایه‌گذار سوئدی  
که به فکر آینده مملکت خود بوده است  
برای پیشگیری از مهاجرت اعلام می‌کند  
مبلغ ۴۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرده  
است تا هر ساله درآمد این مبلغ بین هزار  
محقق سوئدی تقسیم شود. این در شرایطی

این افراد اغلب به کشور آمریکا مهاجرت می‌کنند چون این کشور مغزها را سریعاً جذب می‌کند. و هیچ مانعی بر سر راه ندارد ضمن اینکه محقق مشکل مالی هم ندارد.

**گزارش:** ریگان در آخر ریاست جمهوری اعلام کرد: ما در آینده نگرانیم که امریکاییها نخوانند و جهان سومیه P.H.D. بگیرند به این معنی که این میل آنقدر در جهان سومیه زیاد است که گرفتن P.H.D. تحقیر می‌شود. نظر شما چیست؟

این بحثی است که خود من در مورد کشور سوئد مطرح کردم. چرا که وقتی از دانشگاه MIT بازدید می‌کنید همه یا کله‌سپاه هستند (به معنی آسیایی) یا چشم بادامی (خاور دور) به جرات می‌شود گفت قسمت اعظم محققان آسیایی‌اند. لذا شاید علت این امر سخت‌کوش بودن آنهاست مخصوصاً ایرانی‌ها که هم سخت‌کوشند و هم از ضریب هوشی بالایی برخوردار هستند.

**گزارش:** اینکه ایرانی‌ها از ضریب هوشی بالایی برخوردار هستند آزمایش شده‌است؟

بله، اما اطلاعات من تجربه شخصی است. یا موارد زیادی برخوردار داشتم که در نهایت به این نتیجه رسیدم. شما یک موضوع را برای ایرانی تعریف کنید و همان موضوع را برای یک سوئدی سپس متوجه خواهید شد درک مطلب ایرانی بالاتر از سوئدی است بعضی‌ها معتقدند این مسئله به علت کنجکاوی آنهاست. اما اصلاً این طور نیست آنها واقعا "درک کمتری نسبت به ایرانیها دارند.

**گزارش:** فکر نمی‌کنید این امر بر مسئله بودن کشور ماست، ما حتی از نظر سیاسی در یک جامعه پر مسئله بزرگ می‌شویم اما یک سوئدی در یک جامعه با تکنولوژی پیشرفته و مشکلات کمتری بزرگ می‌شود در نتیجه در مقایسه با یک آسیایی یا ایرانی کندذهن جلوه می‌کند اما چطور می‌شود که آخر کار سوئدی برنده است و ایرانی بازنده؟

برای اینکه سازمان داده شده نیستیم. متأسفانه ایرانی کار را به آخر نمی‌رساند ما در خارج از کشور در جمع عمل

می‌کنیم به ایران که می‌رسیم انفرادی می‌شویم.

**گزارش:** پس ایرانی سوئدی شده یا ایرانی امریکایی شده موفق می‌شود؟

بله. من یک سری مقاله نوشتم و شما در پایان تمام مقاله‌ها اسم من را اول می‌بینید و به دنبال اسم من چند اسم دیگر یعنی من با گروه کار کردم من یک جرعه فکری می‌زنم ولی هر کدام از افراد تیم من خود یک غول کاری هستند اما متأسفانه در ایران نمی‌توانیم وارد گروه شویم و اصلاً "روح کار دستجمعی در ایران نیست.

**گزارش:** فکر می‌کنید متخصص ایرانی که در آن کشورها موفق است می‌تواند در این جا همان سیستم را پیاده کند؟

بله الان در این زمینه فعالیت‌هایی را آغاز کردیم. من در ایران عدم تمرکز و عدم همکاری را مشکل عمده می‌دانم. محققین در ایران به هم اعتماد ندارند. ما اگر بتوانیم اعتماد محقق را جلب کنیم و در گروه کار کنیم موفق خواهیم شد.

**گزارش:** مهاجرتی که از خارج به ایران می‌آیند گاهی اوقات در باره خودشان غلو می‌کنند مثلاً "یک بیزنس ایرانی که از انگلیس برمی‌گردد ساعت کمتری کار می‌کند و انتظار احترام بیش از اندازه دارد در صورتی که در انگلیس بیشتر کار می‌کند و یک شهروند معمولی است فکر نمی‌کنید گاهی اوقات رنجش متخصصین از سرخود بزرگ‌بینی است؟

من نمی‌دانم واقعا " این طور هست یا نه. اگر این موضوع واقعیت داشته باشد باعث تأسف است چون ما از نظر شهروند بودن تافته‌های جداافتاده نیستیم من انوبوس‌های شرکت واحد را دوست دارم اما آیا حیف نیست وقتم را به جای راهگشایی در صنعت در صف انوبوس بگذرانم. در این مملکت یک سری اشکالات هست مثلاً "مشکل مسکن و خاند حدود یکسال است که به ایران آمده‌ام و به علت اجاره‌های گزاف در هتل زندگی می‌کنم خوب این جبر جامعه است.

**گزارش:** شما متواضعانه برخورد می‌کنید، تمام متخصصین چنین برخوردی ندارند به نظر شما توقع آنان نامعقول است؟

خیر نامعقول نیست محصول ما

فکر ماست برای اینکه خوب فکر کنیم باید از یک حداقل آسایش برخوردار باشیم.

**گزارش:** پس شما معتقدید تافته جدا

بافته نیستید و در عین حال توقعات شما (مهاجرین) توقعات معقولی است؟

کاملاً " همینطور است. ما تافته جدا یافته نیستیم ولی طبقه من سالها درس خوانده تجربه اندوخته. درس‌منازهای بین‌المللی شرکت کرده و دوره‌های مختلف دیده. حالا حیف نیست با این همه تجربه، وقت خود را صرف صف نان کند؟

**گزارش:** به عنوان کسی که بیش از انقلاب از ایران خارج شده به دانشگاه رفته و هیچ سابقه سیاسی نداشته است در مورد مهاجرت‌های بعد از انقلاب چه نظری دارید؟

چون بیشتر با جامعه علمی این نوع مهاجرت‌ها و با مهاجرین متخصص و تحصیل کرده سروکار داشتم عامل اصلی را جو ناسالم آموزشی می‌بینیم که اغلب کسانی که سوئد آمده‌اند که به دانشگاه‌های ایران راه نیافته‌اند. یک بار در سال ۱۹۸۱ به ایران آمدم و یکی از مقامات آن موقع من را از ایران بیرون کرد. البته بعد از مدتی خودش هم از ایران مهاجرت کرد.

**گزارش:** پس مهاجرین از بچه‌های درس‌خوان هستند برخلاف قبل از انقلاب که عمدتاً " از بچه‌های درس‌نخوان بودند فکر می‌کنید این بچه‌ها پس از قبولی در کنکور از گزینش رد شدند که اقدام به مهاجرت کرده‌اند.

دقیقاً نمی‌دانم بر اساس چه سیستمی رد شده‌اند. اما همگی از بچه‌های خوب هستند. سابقه سیاسی هم ندارند و در دانشگاه‌های سوئد حداقل به مهندسی و دکتری رسیده‌اند. تمامی آنها به ایران علاقه دارند و به لحاظ مسئله سربازی بر نمی‌گردند.

**گزارش:** آیا تسهیلات دولت در زمینه معافیت‌های دانشجویی مشکل آنان را حل نمی‌کند؟

هنوز ایرانیان مهاجر آن اعتماد را به دست نیآورده‌اند. همه علاقمند ولی اعتماد ندارند.

**گزارش:** معتقدید بیشتر مهاجرت‌ها به دلیل تحصیل بوده است؟

بله قوی‌ترین دلیل مهاجرت‌ها به

سوئد مسئله تحصیل بوده است مثلاً" دانشکده فیزیک سوئد قبل از انقلاب یکی دو تا دانشجوی ایرانی بیشتر نداشت ولی الان حدود ۲۰ تا ۲۵ تا دانشجوی ایرانی در آن مشغول تحصیل هستند.

گزارش: برگردیم به مسائل ایران، زمان نخست‌وزیری آقای موسوی گروهی برای جلب متخصصین خارج از کشور انتخاب شده بودند به نظر شما فعالیت این گروه تا چه حد ترمبخش بوده است؟

— من از سیاست قبلی دولت اطلاعی ندارم اما گروهی که شما از آن صحبت کردید حداقل از نظر من آدمهای خوب انتخاب شده بودند و بیشتر، گروه دفع بودند تا جذب. چرا که با یک محقق و تحصیلکرده باید به زبان خودش صحبت کرد. هرگز کسی را که در شرایط دیگری با من صحبت می‌کند نمی‌توانم قبول کنم.

گزارش: علت شکست گروه رابی سوادی اعضای آن می‌دانید؟

— بله.

گزارش: سیاست فعلی دولت را در این زمینه چگونه می‌بینید؟

— سیاست فعلی را خوب می‌بینیم. احساس می‌کنم مسئولین دولت متخصصین را به تمام معنا می‌خواهند. به این علت که هرچه می‌گوییم می‌پذیرند.

گزارش: شما فکر می‌کنید دولت با تمام متخصصین که از خارج از کشور بر می‌گردند چنین برخورد می‌کند؟

— خیر.

گزارش: پس شما حالت خاص دارید؟

— بله.

گزارش: فکر نمی‌کنید با چنین شیوه‌ای مسئله اختلاف طبقاتی پیش می‌آید؟

— ببینید مسئولین می‌خواهند و قبول کردند که مملکت به دست متخصصین بچرخد. ما هم باید نه فداکاری بلکه احساس تعلق کنیم و کمی از ادعاها و خواسته‌های خود صرف‌نظر کنیم ولی باید یک حداقل زندگی داشته باشیم.

گزارش: پس به نظر شما سیاست فعلی دولت خوب است؟

— دولت قویاً در مورد جذب متخصص فعال است.

گزارش: یعنی دولت فعلی شما را هم به یکی از مبلغین خود تبدیل کرده است

تا متخصص را جذب کند؟

— خیر مسئله‌ای که روی آن کار می‌کنم این است که چگونه می‌شود موقعیتی فراهم کرد تا افرادی که جذب می‌شوند دفع نشوند.

گزارش: فکر نمی‌کنید در آینده با مسایلی روبه‌رو شویم و مثلاً "یک استاد دانشگاه ایرانی ساکن ایران اعتراض کند و بگوید چرا من نباید این شرایط را داشته باشم؟

— من بارها و بارها گفتم از آقایانی که در ایران ماندند شرایط جنگ را پذیرفتند و زیر بمباران اسم پژوهش و آموزش را زنده نگه داشتند صمیمانه سیاست‌گذارم من کاملاً "مخالفم و دوست ندارم با آقای دکتر دیگری در رشته دیگر فرق داشته باشم. مثلاً" من "پونتیاک" داشتم باشم و او "رونو" هم نداشته باشد.

گزارش: معتقدید چون او ندارد شما هم نباید داشته باشید یا اگر شما دارید او هم باید داشته باشد؟

— نمی‌خواهم شخصاً "در رفاه باشم و فلان کارگر یا پسر خاله خودم در رفاه نباشد. اما اگر می‌خواهیم برای او رفاه بسازیم باید یک مقدار رفاه داشته باشیم. من معتقدم باید صنعت را بسازیم و از این راه برای جامعه ایجاد درآمد کنیم و از این درآمد در راه علم و تحقیق استفاده کنیم. تاکی نفت بفروشیم و درآمد آن را خرج تحقیق کنیم پس من باید صنعت را بسازم بدون صنعت پیراهن تولید نمی‌شود و پسر خاله زنده‌پوش من همچنان زنده‌پوش خواهد ماند.

گزارش: فکر می‌کنید تمام مسایل متخصصین در رفاه خلاصه می‌شود فکر نمی‌کنید مثلاً "کسی که بخواهد آستین کوتاه بپوشد یا کراوات بزند و تاحدودی آزادی‌های اجتماعی مورد قبول خود را بخواهد با مشکل روبه‌رو شود؟

— من این مسایل را ندانم یا چون اصغر محمدی خاامان هستم ندارم یا اینکه اصلاً "این مسئله نیست من با آستین کوتاه هم سرکار آمدم. اینکه من نماز می‌خوانم یا نمی‌خوانم به خودم مربوط است من با تمام مقامات سروکار داشتم و هرگز آنها به من نگفتند تو خوب پوشیدی یا بد پوشیدی. من معتقدم نماز را برای شخصی خودم می‌خوانم تا بهشت فردایم را

— دکتر محمدی: یک‌بار در سال ۱۹۸۱ به ایران آمدم، یکی از مقامات آن موقع مرا از ایران بیرون کرد.

— بعضی از مهاجرینی که از خارج به ایران می‌آیند در باره خودشان غلو می‌کنند.

— مسئولین می‌خواهند و قبول کرده‌اند که مملکت به دست متخصصین بچرخد.

— گروهی که زمان نخست‌وزیری موسوی برای جذب متخصصین خارج از کشور انتخاب شده بودند بیشتر گروه دفع بودند تا گروه جذب.

بسلام.

گزارش: آیا در یک سال گذشته گزینش هم شدید؟

- خیر.

گزارش: آیا فکرمی کنید می شود اساس را بر این گذاشت که حتی اگر یک نفر مسلمان نباشد و یا مسلمان باشد ولی مقیدات خاصی نداشته باشد به صرف اینکه جاسوس نیست می تواند برای کشور مفید باشد؟

- نظر شخصی من می گوید در هر جای دنیا کشورها خواه دموکراسی و خواه دیکتاتوری یک سری قوانین و مقررات دارند که برای زندگی در آن کشورها می بایست رعایت شوند. اولین بار که با وزیر صنایع سنگین ملاقات کردم آنقدر شیک پوشیده بودم که در تمام زندگیم نبوشیده بودم، کراوات هم داشتم ولی برداشتم من در این ملاقات این بود که ایشان از گردن به بالای من را نگاه می کند و کاری به کت و شلوار و کراوات من ندارد روز بعد با لباس معمولی رفتم و باز دیدم احترام ایشان نسبت به من تغییری نکرد، ما در تمام مدت در باره صنعت صحبت کردیم خوب اگر من مسلمان هستم خوش به حالم این به خود من مربوط است.

گزارش: چگونه می توانیم به فکر متخصصین مهاجر ایرانی باشیم؟

- خوب همه را نمی توان باز گرداند ولی همین تعداد که آمدند طوری باشد که بمانند.

گزارش: چرا نمی توانیم همه را برگردانیم؟ آیا مشکل جا داریم؟

- خیر مشکل جا نیست مسئله مقدرات است. در حال حاضر باید ببینیم استادان دانشگاه در چه وضعی هستند. البته حدود ۲۵ الی ۳۵ درصد اینها در رشته های بسیار تخصصی تحصیل کرده اند. ما در ایران به متخصصین خیلی ریز احتیاج نداریم، نیاز ما به متخصصین جنرال و عمومی است این افراد رقمی حدود ۲۵ الی ۳۵ درصد را شامل می شوند، به نظر من باید به این افراد اجازه داد تا در رشته خود بمانند و در سطح بین المللی فعالیت کنند و ما را هم تغذیه کنند. گزارش: صحبت جالبی بود گفتید این افراد در سطح بین المللی خدمت کنند آیا فکرمی کنید ما هم به عنوان یک

ایرانی به بین الملل مدیون هستیم یا دینی برگردن نداریم؟

- نه مدیون هستیم و باید خدمت کنیم علم مرز ندازه و نباید محدودش کرد.

گزارش: یعنی نباید تعصب داشته باشیم و بگوییم چون ایرانی هستیم به امریکا کمک نمی کنیم. اگر دانشی هست بخشی را امریکایی بسازد و بخش دیگر را اسرائیلی؟

- جامعه علم امریکایی، ایرانی و اسرائیلی ندارد. جامعه علم متعلق به بشریت است گاهی اوقات قدرتها از علم علماء سوء استفاده می کنند این گناه عالم نیست.

گزارش: در شرایط فعلی اگر از امریکا یک هیئت علمی امریکایی به ایران دعوت شوند یا بالعکس آیا تنش در جامعه ایجاد می شود و اگر تنش ایجاد شد غیرمنطقی است؟ - من چون به جامعه علم تعلق دارم در این خصوص هیچ تعصبی ندارم اسلام هم چنین چیزی نگفته است.

گزارش: در یک لحظه فکر کنید یک مقام مملکتی شما را طی یک حکم رسمی مسئول جذب متخصصین کرده است با توجه به امکانات و اختیاراتی که دارید چگونه عمل می کنید؟

- امکانات اولیه مثل مسکن برای اقامت، وسیله ایاب و ذهاب و اختیارات لازم در حد منطقی برای ورود و خروج آنها از کشور را فراهم می کنم.

گزارش: اگر با آنها صحبت کنید با چه جمله و کلماتی صحبت خواهید کرد؟

- با آنها علمی برخورد می کنم مسایل مملکت را می گویم و تاثیر تخصص و کمک آنها را روشن می کنم به آنها می گویم ما در ایران به بهشت نمی رویم و تمام مشکلات راه را تشریح می کنم.

گزارش: یک سوال خصوصی در حال حاضر در ایران چقدر حقوق می گیرید؟

- تنها شرطی که نداشتم همین بوده است و الان هم در این زمینه صحبتی نمی کنم. دولت زندگی من را تامین می کند و تا حالا چیزی به صورت حقوق به من نداده اند البته زندگی من تامین است و مشکلی ندارم به تمامی متخصصین هم نمی گویم بیایند مثل من زندگی کنند. مسایل آنها باید حل شود.

- من دوست ندارم "پونتیاک" داشته باشم و متخصصین ساکن ایران "رنو" هم نداشته باشد

- جامعه علم امریکا و اسرائیلی ندارد، جامعه علم متعلق به بشریت است.

- این که آستین کوتاه می پوشم، کراوات می زنم، نماز می خوانم یا نمی خوانم به خودم مربوط است.

- به متخصصین مهاجر می گویم ما در ایران به بهشت نمی رویم، می رویم که آن را به بهشت تبدیل کنیم.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی